



سید جواد حسینی

و پیام الهی، ایمان آوردن و عمل کردن بر طبق آن است.

شیعه معتقد است که جانشین پیامبر نیز باید از جانب خدا تعیین شود؛ زیرا آگاهی بر صفاتی همانند علم و عصمت که از شرایط عمده جانشین پیامبر است، برای انسانهای عادی امکان پذیر نیست. خداست که می داند این نعمتهای بزرگ را به چه کسانی عطا کند و دیگران، راهی برای دستیابی به چنین علم و آگاهی ندارند. شیعه بر این باور است که

در جهان بینی توحیدی، مقام تشریح و قانون گذاری اصالتاً از آن خدا است. قرآن کریم می فرماید: «إِنَّ الْحُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ»؛ «حکم و فرمان مخصوص خداوند است.» و حق تعیین پیامبر نیز که سفیر الهی است از آن حق تعالی است که «اللَّهُ أَعْلَمُ حَيْثُ يَجْعَلُ رِسَالَتَهُ»؛ «خدا داناتر است که رسالت خویش را در کجا قرار دهد.»

بنابراین، انتخاب و تعیین پیامبر و اعطای رسالت به او منحصرأ کار خدای سبحان است و انتخاب و رأی مردم در برگزیدن پیامبر ﷺ و تعیین او اثری ندارد. نقش مردم نسبت به پیامبر

۱. انعام/۵۷.

۲. همان/۱۲۴.

این مقال به یک نمونه اشاره می‌شود.

### آیه تبلیغ

قرآن کریم می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الرُّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ»؛<sup>۱</sup> ای پیامبر! آنچه از طرف پروردگارت بر تو نازل شده است، [کاملاً به مردم] برسان و اگر نکنی، رسالت او را انجام نداده‌ای. خداوند تو را از [خطرات احتمالی] مردم، نگاه می‌دارد. همانا خداوند، جمعیت کافران را هدایت نمی‌کند.»

جمله بندی آیه و لحن خاص و تأکیدهای پی در پی آن و همچنین شروع آن با خطاب «يَا أَيُّهَا الرُّسُولُ» که تنها در دو مورد از قرآن آمده و تهدید پیامبر ﷺ به عدم تبلیغ رسالت در صورت کوتاهی کردن که منحصرأ در این آیه از قرآن آمده، نشان از آن دارد که سخن از حادثه مهمی در میان بوده

پیامبر ﷺ از جانب خدای سبحان، این انتخاب الهی را در مواردی فراوان به مردم ابلاغ کرده است و ماجرای غدیر خم یکی از آنهاست. در این حادثه بود که وجود مبارک امیر مؤمنان علی عليه السلام از ناحیه خداوند عزوجل به عنوان سرسلسله امامت و رهبری برگزیده شد.

در مقابل، اهل سنت، جانشینی پیامبر را از اوج امامت به حضيض خلافت تنزل دادند و آن را در حد یک سلطنت پایین آوردند. آنها معتقدند می‌توان زیر سایه سقیفه‌ای بی پایه و اساس گردهم آمد و برای پیامبر جانشین تعیین کرد؛ چنان که با وصیت خلیفه قبلی (همان طور که ابابکر رفتار کرد) با شورایی صوری می‌توان این مهم را انجام داد؛ ولی از دیدگاه شیعه دست کوتاه سقیفه و امثال آن به اوج امامت نمی‌رسد تا بتواند کسی را بدان مقام نصب کند یا از آن تنزل دهد.<sup>۱</sup>

آیات متعددی از قرآن درباره داستان غدیر و اثبات ولایت آمده است و همین طور روایات بی شماری این مسئله را به اثبات می‌رساند که در

۱. ظهور ولایت در صحنه غدیر، برگرفته از آثار آیت الله جوادی آملی، محمد صفائی، نشر اسراء، ۱۳۸۰، صص ۱۹-۱۷.

۲. مانده/۶۷.

النضير» و «بنی قريظه» و «بنی قينقاع» و خيبر و فدک و نجران مشکلی برای مسلمانان محسوب نمی‌شد؟

و آیا مربوط به منافقان بوده، در حالی که می‌دانیم پس از فتح مکه و سيطره و نفوذ اسلام در سراسر جزیره عربستان، منافقان از صحنه اجتماع طرد شدند و نیروهای آنها در هم شکسته شد و هر چه داشتند در باطن بود؟

راستی چه مسئله مهمی در آخرین ماههای عمر پیامبر ﷺ مطرح بوده است که آیه فوق این چنین درباره آن تأکید می‌کند؟

این نیز جای تردید نیست که وحشت و نگرانی پیامبر ﷺ برای شخص خود و جان خود نبوده، بلکه برای کارشکنیها و مخالفت‌های احتمالی منافقان بوده که نتیجه آن برای مسلمانان خطرات و زیان‌هایی به بار می‌آورد.<sup>۱</sup>

براساس اتفاق راویان و محدثان و مفسران شیعه و جمع کثیری از مفسران

است که عدم تبليغ آن مساوی با عدم تبليغ رسالت در مدت ۲۳ سال شمرده شده است.

نکته دیگر این است که این موضوع مهم مخالفان سرسختی داشته که پیامبر، از مخالفت آنها که ممکن بوده است مشکلاتی برای اسلام و مسلمین داشته باشند نگران بوده است و به همین جهت، خداوند به او تضمین و تأمین می‌دهد.

حال این پرسش مطرح می‌شود که با توجه به تاریخ نزول آیه که در اواخر عمر پیامبر ﷺ بوده است، چه مطلب مهمی و چه امر حیاتی در کار بوده که خداوند رسولش را با آن همه تأکیدات مأمور ابلاغ آن می‌کند؟

آیا مسائل مربوط به توحید و شرک و بت شکنی بوده که از سالها قبل برای پیامبر و مسلمانان حل شده بود؟

آیا مربوط به احکام و قوانین اسلامی بوده با اینکه مهم‌ترین آنها تا آن زمان بیان شده بود؟

و آیا مربوط به مبارزه با اهل کتاب و یهود و نصارا بوده با اینکه می‌دانیم مسئله اهل کتاب بعد از ماجرای «بنی

۱. تفسیر نمونه، ج ۵، ص ۴-۳.

و محدثان اهل سنت، همچون: ابوالحسن واحدی در اسباب النزول، ص ۱۵؛ حافظ ابوسعید سجستانی، در کتاب الولایه؛ فخر رازی در تفسیر کبیر، ج ۳، ص ۶۳۶؛ ابن صباغ مالکی در فصول المهمه، ص ۲۷؛ جلال الدین سیوطی در در المنثور، ج ۲، ص ۲۹۸؛ قاضی شوکانی در فتح القدیر، ج ۳، ص ۵۷؛ شهاب الدین آلوسی در روح المعانی، ج ۶، ص ۱۷۲؛ شیخ سلیمان قندوزی در ینابیع الموده، ص ۱۲۰ و ... تصریح کرده‌اند که آیه در مورد علی علیه السلام نازل شده است.

مرحوم علامه امینی در «الغدیر» حدیث غدیر را که مربوط به معرفی علی علیه السلام به عنوان وصی و ولی پیامبر می‌باشد، از صد و ده نفر از صحابه و یاران پیامبر صلی الله علیه و آله، و با اسناد و مدارک<sup>۱</sup> و از هشتاد و چهار نفر از تابعین و از سیصد و شصت نفر دانشمند و کتاب معروف اسلامی نقل کرده است<sup>۲</sup> که نشان می‌دهد حدیث مزبور یکی از قطعی‌ترین روایات متواتر است و اگر کسی در تواتر این روایت شک و تردید کند، باید گفت که هیچ روایت

متواتری را نمی‌تواند بپذیرد. به نمونه‌هایی از روایات که از طریق فریقین نقل شده، توجه فرمایید:

۱. از ابوهریره نقل شده است که

گفت: «مَنْ صَامَ يَوْمَ ثَمَانِيَةِ عَشْرٍ مِنْ ذِي الْحِجَّةِ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ صِيَامَ سِتِّينَ شَهْرًا وَ هُوَ يَوْمُ غَدِيرِ خُمٍّ لَمَّا أَخَذَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِيَدِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ وَقَالَ أَلَسْتُ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ قَالُوا نَعَمْ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: مَنْ كُنْتُ مَوْلَا فَعَلِيٌّ مَوْلَا. فَقَالَ لَهُ عُمَرُ بَيْحُ بَيْحٍ لَكَ يَا بَنَیَّ أَبِي طَالِبٍ أَصْبَحْتَ مَوْلَايَ وَ مَوْلَىٰ كُلِّ مُسْلِمٍ فَأَنْزَلَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ»؛<sup>۳</sup> کسی که روز هیجده ذی الحجه را روزه بگیرد، خدا ثواب شصت ماه روزه را برای او می‌نویسد. این روز همان روز غدیر خم است که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله دست علی ابن ابی طالب را گرفت و گفت: آیا من به مؤمنان اولی اولی]] از

۱. الغدیر، علامه امینی، تهران، دار الکتب الاسلامیه، دوم، ۱۳۶۶، ج ۱، صص ۶۱-۱۴؛ تفسیر نمونه، ج ۵، ص ۷-۵.  
 ۲. الغدیر، ج ۱، صص ۷۲-۶۲.  
 ۳. بحارالانوار، محمدباقر مجلسی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ج ۳۷، ص ۱۰۸، ح ۱؛ امالی صدوق، مجلس اول، ص ۱۲، ح ۲.

## کسی که روز هیجده ذی الحجّه را روزه بگیرد، خدا ثواب شصت ماه روزه را برای او می‌نویسد.

علی مولای مؤمنین است - و اگر  
نکنی، رسالت او را انجام نداده‌ای...»  
۳. حافظ ابن عساکر شافعی به  
طور مستند از ابوسعید خدری روایت  
کرده که آیه [تبلیغ] در روز عید غدیر  
درباره علی بن ابی طالب نازل شد.<sup>۲</sup>

۴. ابو جعفر محمد بن جریر بن  
یزید طبری، صاحب تاریخ معروف،  
کتابی دارد به نام «کتاب الولاية فی طرق  
احادیث الغدير» که خبر روز غدیر و  
طرق روایت آن را از هفتاد و پنج طریق  
نقل کرده است.<sup>۳</sup> از جمله می‌گوید:  
«زید بن ارقم می‌گوید: پیامبر در  
بازگشت از حجة الوداع در غدیر خم  
پیاده شد... سپس گفت: خداوند این آیه  
را بر من نازل فرموده است: «بَلِّغْ مَا أَنْزَلَ  
إِلَيْكَ...» و جبرئیل از طرف پروردگام  
به من امر کرد که در این مکان بر پا خیزم

خودشان] نیستیم؟ گفتند: آری، یا  
رسول الله! گفت: هر کس که من مولا و  
سرپرست او هستم، پس مولا و  
سرپرست او علی است. عمر به او  
گفت: مبارک باشد بر تو ای پسر  
ابوطالب! که مولای من و مولای هر  
مسلمانی گشتی. آن گاه خدای عزیز و  
جلیل آیه «الْيَوْمَ اكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ»  
را نازل کرد.»

۲. سیوطی از ابن مردویه به طور  
مستند نقل کرده که ابن مسعود گفت:  
در زمان رسول الله ﷺ می‌خواندیم:  
«يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أَنْزَلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ - أَنْ  
عَلَيْتَ مَوْلَى الْمُؤْمِنِينَ - وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ...»؛<sup>۱</sup> ای  
پیامبر [به مردم] برسان آنچه را که از  
طرف پروردگارت بر تو نازل شده - که

۱. یسایع الموده، شیخ سلیمان فندوزی، قم،  
دارالاسوه، اول، ص ۱۴۰؛ الدر المثور، سیوطی،  
ج ۳، ص ۱۱۷.

۲. روح المعانی، آلوسی، ج ۶، ص ۱۷۲؛ تفسیر  
الکبیر، فخر رازی، ج ۳، ص ۶۳۶.  
۳. العمدة، ص ۱۵۷.

خداوند مولای شما و علی  
 امام شماست. پس از او  
 امامت تا روز قیامت در  
 فرزندان اوست که از نسل  
 او می‌باشند... هیچ علمی  
 نیست، مگر آنکه خداوند آن  
 را برای او روا داشته و من  
 آن را به او منتقل ساخته‌ام.  
 از او جدا نشوید و او را ترک  
 نکنید!

شما را به سوی حق هدایت کرده، به آن  
 عمل می‌کند. خدا نمی‌پذیرد و  
 نمی‌بخشد کسی را که از او روی  
 برگرداند... بدانید که من پیغام را  
 رساندم... دست او را بالا برد و آن گاه  
 فرمود: ای مردم! این است برادر من،  
 وصی من، در برگیرنده علم من، و  
 خلیفه من بر هر که به من ایمان آورده

و به هر سفید و سیاهی اعلام بدارم که  
 علی بن ابی طالب برادر، وصی و  
 خلیفه من و امام پس از من می‌باشد. از  
 جبرئیل خواستم که خدا مرا معاف  
 بدارد؛ زیرا می‌دانم پرهیزکاران  
 اندک‌اند و آزار دهندگان و ملامت  
 کنندگان بر من به خاطر همراهی زیاد  
 من با علی و توجهم به او بسیارند...  
 ولی خداوند راضی نشد، مگر آنکه  
 درباره علی تبلیغ کنم. پس بدانید ای  
 مردم! که خداوند او را برای شما ولی و  
 امام قرار داد و اطاعت از او را بر هر  
 کس واجب فرمود. پس حکم او  
 واجب‌الاطاعه، گفتار او نافذ، مخالف  
 او ملعون و تصدیق‌کننده او مورد  
 رحمت می‌باشد. بشنوید و اطاعت  
 کنید! خداوند مولای شما و علی امام  
 شماست. پس از او امامت تا روز  
 قیامت در فرزندان اوست که از نسل او  
 می‌باشند... هیچ علمی نیست، مگر  
 آنکه خداوند آن را برای او روا داشته و  
 من آن را به او منتقل ساخته‌ام. از او جدا  
 نشوید و او را ترک نکنید! اوست که

است...»<sup>۱</sup>

که در این باره چه کند؟ خدای عزوجل آیه ﴿يَا أَيُّهَا الرُّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ...﴾ را نازل کرد. در این هنگام، پیامبر اکرم ﷺ امر الهی را آشکار کرد و برای اعلام ولایت علی ﷺ در روز غدیر برخاست و ندا داد: «الصَّلَاةُ جَامِعَةٌ» و به مردم امر کرد که شاهدان، این پیام را به غایبان برسانند...»

آن گاه امام باقر ﷺ فرمود: «وَكَاثِبِ الْفَرِيضَةَ تَنْزِيلُ بَعْدَ الْفَرِيضَةِ الْأُخْرَى وَكَانَتْ الْوَلَايَةُ آخِرَ الْفَرَائِضِ...؛ واجبات الهی یکی پس از دیگری نازل می شد و ولایت آخرین آنها بود. پس از آن آیه ﴿الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ...﴾ را نازل کرد و فرمود: لَا أُنزِلُ عَلَيْكُمْ بَعْدَ هَذِهِ فَرِيضَةً قَدْ أَكْمَلْتُ لَكُمْ الْفَرَائِضَ؛ پس از این فریضه ای بر شما نازل نمی کنم؛ زیرا فرائض را برای شما تکمیل کردم.»<sup>۲</sup>

امام باقر ﷺ فرمود: «أَمَرَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ رَسُولَهُ بِوَلَايَةِ عَلِيِّ وَأَنْزَلَ عَلَيْهِ ﴿إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ...﴾ وَفَرَضَ وِلَايَةَ أَوْلِي الْأَمْرِ فَلَمَّ يَدْرُوا مَا هِيَ فَأَمَرَ اللَّهُ مُحَمَّدًا ﷺ أَنْ يَفْسِرَ لَهُمُ الْوَلَايَةَ كَمَا فَسَّرَ لَهُمُ الصَّلَاةَ...؛ خدای عزیز و جلیل پیامبرش را به ابلاغ ولایت علی ﷺ مأمور گردانید. از این رو، آیه «همانا ولی شما، خدا و رسولش و کسانی که ایمان آوردند؛ کسانی که اقامه نماز و ادای زکات می کنند، می باشند...» را نازل و ولایت اولی الامر را واجب کرد؛ لیکن مردم نمی دانستند ولایت اولی الامر چیست. از این جهت، به پیامبر ﷺ فرمان داد که ولایت را برای مردم تفسیر کند، چنان که نماز را برای آنان تفسیر کرد.»

امام باقر ﷺ سپس ادامه داد:

«لیکن انجام این دستور الهی بر آن حضرت گران آمد و نگران شد که مردم از دینشان برگردند و او را تکذیب کنند؛ لذا به خدای سبحان رجوع کرد

۱. کتاب الولاية، طبری، به نقل از: حقیقت گمشده، شیخ معتمد سید احمد سودانی، ترجمه سید محمد رضا مهری، قم، بنیاد معارف اسلامی، دوم، ۱۳۷۹، ج ۱، صص ۱۷۷-۱۷۴.

۲. اصول کافی، محمد بن یعقوب کلینی، ج ۱، ص ۲۸۹.